



روی خط جام جهانی

روزهای غربت و رفاقت در مرز مکزیک

ممنونم تیخوانا؛ گراسیاس مکزیکو!



گاهی اوقات در هیاهوی بزرگ‌ترین رویدادهای جهان، زیباترین و ماندگارترین داستان‌ها نه در دل مستطیل سبز و نتایج سرد عددی، که در پشت صحنه و در اتمسفر روابط انسانی رقم می‌خورند. جام جهانی ۲۰۲۶ برای تیم ملی فوتبال ایران، بی‌شک یکی از پرچالش‌ترین، پرسریش‌ترین و استراتژیک‌ترین تجربه‌های تاریخ بود؛ اما در میان تمام این فرازونشیب‌ها و بازی‌های شطرنج‌گونه، یک نکته درخشان، رمانتیک و به‌یادماندنی در حافظه تاریخ فوتبال ما خودنمایی می‌کند، میهمان‌نوازی گرم، بی‌ریا و صمیمانه مردم مکزیک و اهالی خونگرم شهر مرزی تیخوانا.

داستان این رفاقت تاریخی از جایی آغاز شد که به دلیل کارشکنی‌ها و مشکلات بی‌سابقه در روند دریافت ویزای ورود به خاک آمریکا، اردوی نادرگاتی و حیاتی تیم ملی ناگهان از نوسان آریزونای به شهر مرزی تیخوانا در خاک مکزیک منتقل شد. در نگاه اول، این جابه‌جایی اجباری و ناگهانی می‌توانست به یک کابوس لجستیکی، روحی و تاکتیکی برای کادرفنی تبدیل شود و شیرازه تیم را پیش از بازی‌های بزرگ از هم بپاشد. اما آنچه در واقعیت رخ داد، سزارویی کاملاً برعکس و حماسی بود.

کشور مکزیک با آغوش باز و مهری خالصانه از کاروان خسته ایران استقبال کرد. مدیران باشگاه فوتبال تیخوانا (شولوس) با افتخار و صدور بیانه‌های رسمی اعلام کردند که میزبانی از تیم ملی ایران را «ما به غرور بزرگ» خود می‌دانند و تیخوانا را شوهری با «ده‌های بازان، دوستانه و میهمان‌نواز» توصیف کردند؛ شهری که به گفته آنها «جهان را با فرهنگ، مردم و عشق بی‌انتهای به ورزش در آغوش می‌گیرد».

اما گرمای این میزبانی افلاک‌گیرکننده فقط به اعلامیه‌ها، تعارفات دیپلماتیک و بروکراسی‌های رسمی ختم نشد. این مردم عادی، کارگران و فوتبالیست‌های پرشور تیخوانا بودند که در کوچه و خیابان حماسه آفریدند. وقتی کاروان یوزهای ایرانی وارد این شهر مرزی شد، در اتفاقی نادر حدود دویست نفر از مردم محلی در کنار ایرانیان مقیم، با در دست داشتن پرچم‌های سه‌رنگ ایران به استقبال آمدند.

این تازه شروع یک ماجرای عاشقانه بود. هواداران مکزیک در طول روز ساعت‌ها مقابل هتل محل اقامت ملی پوشان منتظر می‌مانند تا فقط یک بار دست دادن، یک لبخند یا یک عکس یادگاری با ستاره‌های ایران را شکار کنند. آنها با گر زدن پرچم‌های سه‌رنگ مکزیک و ایران به یکدیگر و با شعارهای خودجوش و پلاکاردهایی دلی که روی آن با خط خوش نوشته شده بود: «ایران، داداش، تو هم دیگه مکزیک‌گشیدی»، به دنیا ثابت کردند که مرزهای جغرافیایی و تفاوت‌های زمخت سیاسی هیچ‌گاه نمی‌تواند مانع از ابراز محبت و پیوند های انسانی شود.

جالب اینجاست که این حمایت‌های بی‌دریغ به مرز تیخوانا محدود نماند؛ هواداران مکزیک در ورزشگاه‌های ایالت کالیفرنیا و شهر لس‌آنجلس نیز با شور و اشتیاقی وصف‌ناپذیر در کنار ایرانی‌ها ایستادند و با فریادهای خود، فضایی کاملاً خانگی و هولناک برای رقبای تیم ملی ایران ایجاد کردند. این همبستگی و ائتلاف عاطفی بی‌نظیر میان دو ملت، بازتاب گسترده و تحسین برانگیزی در رسانه‌های بین‌المللی داشت؛ تا جایی که روزنامه‌های معتبر به این پیام عمیق صلح و دوستی پرداخت که در اوج تنش‌ها، میان ملت‌های ایران و مکزیک شکل گرفته بود.

علیرضا جهانبخش، کاپیتان باصالت و باتجربه تیم ملی که به خوبی نماینده احساسات و قلب‌های تمام بازیکنان ایران بود، پس از تساوای تاریخی و حماسی مقابل بلژیک، در شرایطی که چشمانی پر از احساس و قدرتی داشت، رو به دوربین رسانه‌ها گفت: «درباره تیخوانا، دوست دارم بگویم که ما عاشق مردم مکزیک هستیم. فکر می‌کنم همه اعضای تیم این حس ناب را دارند. باورنکردنی است که چقدر بزرگوارانه مورد استقبال قرار گرفتیم و میهمان‌نوازی‌شان فوق‌العاده و بی‌نقص بود. حالا یک احساس صمیمانه و عمیق واقعی بین بازیکنان تیم و مردم مکزیک وجود دارد و من از صمیم قلبم دوست دارم بگویم: Muchas Gracias» (بسیار سپاسگزارم)

سفر اجباری اما شیرین تیم ملی به تیخوانا، فراتر از یک اردوی تمرینی ساده یا یک جابه‌جایی لجستیکی، به نمادی درخشان از دیپلماسی عمومی، قدرت نرم و منش پهلوانی فوتبال ایران تبدیل شد. این حضور باوقار نشان داد که نام و پرچم سرفراز ایران، حتی در شرایطی پر از چالش‌های اداری و سیاسی، می‌تواند با تکیه بر اخلاق‌مداری و رفتار حرفه‌ای بازیکنانش، برای کشور اعتبار و افتخار بین‌المللی خلق کند. مکزیک و مردم خونگرمش با گواشت و پوست خود ثابت کردند که ورزش و فوتبال، قوی‌ترین پل برای دوستی، صلح و تفاهم میان ملت‌هاست. تیخوانا برای همیشه در تاریخ خط‌خورده فوتبال ایران به عنوان شهری ماندگار، امن و دوست‌داشتنی ثبت خواهد شد؛ شهری که در روزهای سخت غربت، تنهایی و بی‌مهری، نگذاشت یوزهای ایرانی احساس غریبی کنند. گراسیاس، تیخوانا. ممنونم، مکزیک بزرگ.

از رؤیای بزرگ جام جهانی تا واقعیت‌های تلخ فوتبال آسیا

نسل جدید یوزها را از امروز بسازیم

گزارش یک

محسن ذاکری

خبرنگار

جام جهانی همواره میدانی بی‌رحم و در عین حال باشکوه برای آزمون توانایی‌ها در بالاترین سطح فوتبال جهان است؛ اتمسفری مینیاتوری که در آن ظرایف و جزئیات، نقش اول ستارو را ایفا می‌کنند و هر اشتباه کوچکی می‌تواند سرنوشت یک ملت فوتبالی را دگرگون کند. تیم ملی ایران نیز با راهیابی به جام جهانی ۲۰۲۶، در صدد است تا بهترین تصویر ممکن از فوتبال کشورمان را به ویتترین دنیا بفروشد. با این حال در کنار تمامی هیجانات، شعارها و آرزوهای رنگین ضرورت دارد دنیا را مدنظر قرار داده و با دیدگاهی واقع‌بینانه و به دور از احساسات، مسیر آینده را ترسیم کنیم.

سالیان متمادی است که حضور در جام جهانی برای فوتبال ایران به یک اتمسفر روئین و رویداد مهم تبدیل شده است. نسلی طلایی از بازیکنان باتجربه و گهنگار توانسته‌اند ایران را به یکی از مسافران ثابت این رقابت‌ها مبدل کنند اما سؤال استراتژیک و اساسی اینجاست که

هدف غایی و نهایی‌ما از حضور در بزرگ‌ترین تورنمنت فوتبالی جهان چیست؟ آیا صرفاً حضور، عکس یادگاری و رقابت فرسایشی در مرحله گروهی کفایت می‌کند، یا باید برنامه‌های بلندمدت برای دستیابی به جایگاهی فراتر داشته باشیم؟ قطعاً دیدار با تیم ملی مصر یکی از مسابقاتی بود که برای ما اهمیت ویژه‌ای داشت؛ اما این بازی، فارغ از هر نتیجه‌ای که روی تابلو ثبت کرد، یک علامت سؤال بزرگ در خود داشت؛ آیا صرف صعود یا عدم صعود در این جام جهانی، برای ما افتخار و شاهکار محسوب می‌شود؟

خیلی‌ها در محافل فوتبالی، جام جهانی را فارغ از فرمت جدید و ۴۸ تیمی آن، صرفاً بلیت صعودش

را یک دستاورد بزرگ می‌دانند و خیلی‌های دیگر با نگاهی نقادانه می‌گویند تازه به ۴ سال پیش یعنی می‌گوشن ۳۲ تیمی رسیده‌ایم. اما نهایتاً رویاپردازی ایران در این ویتترین چیست؟ یک بازی بیشتر در مرحله حذفی یا هر چیز دیگر؟ قطعاً رویاپردازی برای ما ناممکن نیست، اما باید شجاع بود و اعتراف کرد که ما در حد و اندازه قهرمانی جهان نیستیم. پس فارغ از هر نتیجه‌ای که در این جام جهانی رقم بخورد، باید نگاه استراتژیک‌مان به «جام ملت‌های آسیا» باشد؛ چراکه اگر در جام جهانی مدعی قهرمانی محسوب نشویم اما همواره در قواره قهرمانی قاره کهن می‌توانیم حرف‌هایی برای گفتن داشته باشیم.

واقعیت این است که فوتبال جهانی با سرعتی بی‌سابقه و ترسانک در حال تحول و دگرگونی است. تیم‌هایی که شاید در گذشته فاصله چشمگیر و نجومی با قدرت‌های بزرگ داشتند، امروز با برنامه‌ریزی بلندمدت، کدگذاری روش‌مند، سرمایه‌گذاری کلان بر فوتبال پایه و بهره‌گیری از نسل‌های جدید، خود را به سطحی بالاتر رسانده‌اند. دیگر نمی‌توان تنها با اتکا به تجربه سن‌وسال‌دارهای اسکواد و حضور جرقه‌های چند ستاره لژیونر، انتظار موفقیت پایدار و مستمر داشت.

فوتبال ایران نیز برای ادامه این مسیر فشرده، نیازمند یک جراحی و بازنگری جدی در اتاق فکر خود است. نسل کنونی تیم ملی از بازیکنان گرانبها و ارزشمندی برخوردار است که سالیان متمادی برای فوتبال کشور افتخارآفرینی کرده‌اند، اما همزمان باید برای ساختن فردا نیز نقشه راه داشت. جوانگرایی دیگر یک انتخاب، ژست یا ویتترین نیست؛ بلکه یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر و حیاتی است که تمامی تیم‌های موفق جهان آن را در دستور کار خود قرار داده‌اند. باید از همین امروز در پی کشف استعداد‌های جدید، آماده‌سازی لایه‌های جوان و ایجاد رقابتی سالم برای تصاحب پیرهن مقدس تیم ملی باشیم.



عکس: فدراسیون فوتبال

کلاه‌مان را قاضی کنیم و واقع بین باشیم؛ با شرایط و زیرساخت‌های فعلی، سخن گفتن از موفقیت‌های بزرگ در جهان، بیشتر یک رؤیای شیرین است تا یک هدف ملموس. در مقابل، ایران با ظرفیت‌های موجود می‌تواند در قامت یک مدعی جدی و سنتی برای قهرمانی آسیا ظاهر شود. از همین حالا باید تمرکز اصلی فوتبال کشور بر جام ملت‌های آسیا معطوف شود؛ جایی که رقبای ما نظیر ژاپن، کره جنوبی و استرالیا با چنگ و دندان مملوس‌تر و دست‌یافتنی‌تر است که نیازمند برنامه‌ریزی، استمرار و تغییر نگاه در دکتورین مدیریت فوتبال کشور است. تیزتر و قدرتی فراتر وارد کارزار خواهند شد. اگر می‌خواهیم در آینده دوباره پرچمدار، و تیم بزنر فوتبال آسیا باشیم، باید تعارف را کنار بگذاریم، جوانگرایی را از همین امروز آغاز کنیم، نسل جدیدی بسازیم و برای آینده برنامه‌های واقعی، مکتوب و قابل اجرا داشته باشیم. سن، عدد بی‌رحمی است و زمان برای نسل فعلی به سرعت در حال گذشت است.

مسیر موفقیت از سال‌ها قبل آغاز می‌شود؛ از دل آکادمی‌ها، از ساختار لیگ داخلی، از اعتماد واقعی به بازیکنان جوان و از ایجاد یک تشکیلات حرفه‌ای برای تیم ملی. جام جهانی می‌تواند یک هدف کوتاه‌مدت و هیجان‌انگیز باشد، اما نباید سقف رؤیای فوتبال ایران به این مسابقات محدود شود. هدف بزرگ‌تر و منطقی‌تر ما باید حفظ جایگاه ایران در اتمسفر فوتبال آسیا و تلاش برای بازگشت به قله قاره باشد. قهرمانی آسیا هدفی ملموس‌تر و دست‌یافتنی‌تر است که نیازمند برنامه‌ریزی، استمرار و تغییر نگاه در دکتورین مدیریت فوتبال کشور است. در نهایت، نبرد ایران و مصر برای ما از اهمیت بالایی برخوردار بود؛ چراکه تمام توان‌مان را گذاشتیم تا یک یا حتی دو بازی بیشتر در جام جهانی انجام دهیم و تجربه حضور در بالاترین سطح فوتبال دنیا را بالا ببریم اما باید

در قاره آسیا نیز شرایط نسبت به گذشته دستخوش تغییر و تحول بنیادین شده است. رقبای سنتی ایران دیگر همان تیم‌های چند سال قبل نیستند. غول‌هایی نظیر کره جنوبی، ژاپن و استرالیا با برنامه‌ریزی بلندمدت، حضور گسترده و نفوذ بازیکنان‌شان در مارکت اروپا و توجه ویژه به آکادمی‌ها، سطح کیفی خود را به طرز چشمگیری ارتقا داده‌اند. این تیم‌ها امروز دیگر تنها برای حضور داشتن در جام صخره مرحله گروهی نیستند؛ بلکه شانه به شانه با قدرت‌های بزرگ فوتبال جهان است. فوتبال ایران نیز از پتانسیل و ژنتیک لازم برای رسیدن به این سطح برخوردار است، اما این امر مستلزم اتخاذ تصمیمات شجاعانه، صحیح و گامی بلندمدت است. ما نباید تنها در فاصله چند ماه مانده به مسابقات بزرگ به فکر تیمسازی و قمار تاکتیکی باشیم.

نمایشی بی‌بدیل از غیرت، صلابت و پایداری ملی

ارزشی فراتر از برد و باخت در مستطیل سبز



گزارش

مرتضی طهوری

خبرنگار

حضور تیم ملی فوتبال ایران در بیست و سومین دوره جام جهانی که این به میزبانی مشترک آمریکا، مکزیک و کانادا، فراتر از یک رویداد صرفاً ورزشی و فوتبالی، به حماسه‌ای ماندگار از اراده، وحدت ملی و نمایش چهره مقتدر و اصیل جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است.

کاروان سرفراز ایران که ششمین حضور متوالی و هفتمین حضور تاریخی خود را در این رقابت‌های بزرگ تجربه می‌کند، با وجود چالش‌های بی‌سابقه، فشرده و پیچیده از جمله توقف مقطعی لیگ برتر و اعمال محدودیت‌های سیاسی برای حضور در خاک میزبان، با صلابت و غیرتی وصف‌ناپذیر با میدان رقابت

گذاشته است. بازیکنان و کادرفنی با تکیه بر تعصب ملی و شایستگی‌های فنی خود به جهانبان ثابت کردند که فوتبال ایران فراتر از تمام حواشی تحمیلی، دارای هویتی ریشه‌دار، مستقل و قدرتمند است. تیم امیرقلعه‌نویی با اتکا به ستون‌های کوه‌نار و جام‌دیده‌هاش نمایش‌های قابل احترامی را به‌جا گذاشت، توری که گزارش‌های تحلیلی رسانه‌های معتبر جهانی از جمله مجله تخصصی بین‌المللی «ورلدساکر» به خوبی نشان می‌دهد که نگاه کارشناسان دنیا به این تیم با احترام و حساسی ویژه دوخته شده است.

نمایش فنی و جنگندگی ستودنی ملی پوشان در دیدار نخست برابر نیوزیلند که با دو بار واکنش مثبت، کامبک تماشایی و کسب تساوای ۲ بر ۲ همراه بود، گواهی محکم بر روحیه جنگندگی ناپذیر فوتبال ایران است. این عملکرد درخشان در شرایطی رقم خورد که تیم ملی با مشکلات عدیده‌ای نظیر لغو برخی اردوهای خارج از کشور و موانع

برای معرفی ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی ایران به جهانبان فراهم آورد؛ همچنان‌که در مراسم افتتاحیه از نمادهای تاریخی باشکوه ایران برای معرفی تیم استفاده شد که خود گامی مؤثر و ماندگار در حوزه دیپلماسی عمومی کشور محسوب می‌شود.

به علاوه که حضور تیم ملی ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ توجه گسترده رسانه‌های معتبر بین‌المللی را به خود جلب کرده است. خبرگزاری‌های برجسته‌ای نظیر بی‌بی‌سی، نیویورک تایمز، سی‌ان‌ان و آسوشیئد پریس، با پوشش جامع، سفر پرفرازونشیب کاروان ایران را به عنوان یکی از منحصربه‌فردترین رویدادهای تاریخ جام جهانی توصیف کرده‌اند. نیویورک‌تایمز در گزارشی تحلیلی، این سفر را «طولانی‌ترین و عجیب‌ترین سفر جام جهانی» نامیده و به تلاش‌های بی‌وقفه فراوان از «یوزهای ایرانی» حمایت بی‌سابقه‌ای که با آن مواجه بودند، اشاره کرده است. کوری‌لینه‌کر، اسطوره فوتبال انگلستان، در مصاحبه‌ای با اسکای نیوز، رفتار میزبان با تیم ایران را «بسیار ناعادلانه» خواند و اظهار داشت که در تمام ادوار جام جهانی که از سال ۱۹۸۶ تاکنون پوشش داده است، هرگز شاهد چنین برخوردی در جام مقدس جمهوری اسلامی ایران در دل آمریکا و در میان هیاهوی رسانه‌های استکباری جهان، نام کشورمان را سر بلند و پرواژه ساخت.

در همین راستا دیدارهای مثبت، دیپلماتیک و سازنده مقامات فدراسیون فوتبال با دبیرکل فیفا در استانبول و مکزیک، نشان از جایگاه والای جمهوری اسلامی ایران در نهادهای بین‌المللی فوتبال دارد و ثابت کرد که رویکرد تعامل‌گرایانه، مسیر پیشرفت و حضور مقتدرانه در عرصه‌های جهانی را هموار می‌کند. حضور در این رویداد بزرگ، علاوه بر ایجاد شور، نشاط اجتماعی و وفای ملی در داخل کشور، فرصتی بی‌نظیر فوتبال ایران است



نمایش فنی و جنگندگی ستودنی ملی پوشان در دیدار نخست برابر نیوزیلند که با دو بار واکنش مثبت، کامبک تماشایی و کسب تساوای ۲ بر ۲ همراه بود، گواهی محکم بر روحیه جنگندگی ناپذیر فوتبال ایران است

تیخوانای مکزیک منتقل شد، کلودیا شینیانوم، رئیس‌جمهور مکزیک، با اعلام اینکه کشورش هیچ مشکلی برای میزبانی از تیم ایران ندارد، فصل جدیدی از تعامل و دوستی را بین دو کشور گشود. سفیر ایران در دیپلماسی عمومی کشور محسوب می‌شود. از جایگاه رفیع روابط فرهنگی و دیپلماتیک دو جانبه قلمداد کرد. اما فراتر از حمایت‌های رسمی، آنچه این سفر را به رویدادی ماندگار تبدیل کرد، استقبال پرشور و بی‌دریغ مردم مکزیک بود. هواداران مکزیک با سردادن شعارهای «پرو ایران! پرو ایران!» و درخواست امضا از بازیکنان، چنان حمایت همه‌جانبه‌ای از تیم ملی ایران به عمل آوردند که گویی این تیم، تیم ملی کشور خودشان است. بسیاری از آنها ایران را «تیم دوم» خود در این دوره از مسابقات نامیدند و با حضور پرشور در ورزشگاه‌های لس‌آنجلس، با شور و اشتیاق فراوان از «یوزهای ایرانی» حمایت کردند. این همبستگی فوتبالی میان دو ملت، به وضوح نشان داد که ورزش می‌تواند به مثابه پلی قدرتمند برای ایجاد دوستی و تفاهم متقابل، فراتر از مرزهای سیاسی عمل کند.

جام جهانی ۲۰۲۶ برای ایران، کارنامه‌ای درخشان از غیرت، مردانگی و پایداری رقم زده است؛ بازیکنانی سلحشور که با وجود تمام فشارهای روانی بیرون زمین، تنها هدف خود را «خوشحالی و سربلندی ایران» عنوان کرده‌اند. این تلاش خالصانه، متعصبانه و میهن‌پرستانه فارغ از هر نتیجه عددی، بزرگ‌ترین سرمایه معنوی این نسل از فوتبال ایران است. یوزهای ایرانی به وضوح ثابت کردند که ارزش‌های والای انسانی ثبت خواهد شد؛ شهری که در روزهای سخت غربت، تنهایی و بی‌مهری، نگذاشت یوزهای ایرانی احساس غریبی کنند. گراسیاس، تیخوانا. ممنونم، مکزیک بزرگ.